

نقش اسناد بیرونی در عملکرد تحصیلی و بهداشت روانی: نقدی بر نظریهٔ اسناد

ابوالفضل غفاری¹، اعظم تجری²، فاطمه شریفی³

مقدمه

بنا به نظریه اسناد، چگونگی تفکر افراد درباره علت بنا به نظریه اسناد، چگونگی تفکر افراد درباره علت‌های شکست و موفقیت‌هایشان تعیین کننده‌های اصلی انگیزش پیشرفت آنان محسوب می‌شود (سیف، 1383). نظریه اسناد ادراک افراد از منابع رویدادها شامل موفقیت‌ها و شکست‌های خودشان و دیگر افراد را توضیح می‌دهد (واپنر، 1972 و 2006). اسناد، ادراک افراد از عوامل تعیین کننده رفتارشان را بازتاب می‌دهد. افراد اغلب اعمالشان را به عواملی مانند توانایی، تلاش، خلق و خو، دانش، شانس، کمک دیگران، علاقه، وضوح دستورالعمل‌ها، مداخله‌ی دیگران یا سیاست‌های غیرمنصفانه نسبت می‌دهند (کالبرایت، فراد، والکر و فراد، 2005). هدف این نظریه پیدا کردن راه‌هایی است که در آن افراد به توضیح و تبیین رویدادها و روابط علت و معلولی می‌پردازند (سیف، 1383). سه نوع سبک اسنادی که اغلب افراد برای توضیح دلیل وقایع زندگی خود استفاده می‌کنند وجود دارد: درونی در مقابل بیرونی، ثابت در مقابل متغیر و قابل کنترل فرد در مقابل غیر قابل کنترل فرد. از بعدهای سه گانه نسبت دادن مفهوم منبع یا مکان کنترل جای مهمی دارد. نظریه مکان کنترل که دربارهٔ نظام اعتقادی افراد در رابطه با منابع تقویتی تدوین شده است، از آن جولیان روتر است. در این نظریه چنین فرض شده که افراد از لحاظ اعتقاد به مکان کنترل به دو دسته تقسیم می‌شوند: درونی (علت رویداد من هستم)، و بیرونی (علت رویداد دیگران یا چیزهای دیگر هستند). یک اسناد درونی ادعا می‌کند که شخص خود مسئول رویداد است. اسناد درونی بعداً می‌تواند به تلاش و توانایی شکسته شود (اسکانلان و پاسر، 1980؛ پریش، 2003). توانایی، صلاحیت فرد یا مهارت او برای انجام یک وظیفه مهم به طور موفقیت‌آمیز است و تلاش، کاری است که شخص برای به اتمام رساندن یک هدف انجام می‌دهد. اسناد بیرونی مدعی است که فاکتورهایی بیرون از فرد (شانس، سختی تکلیف، معلم و کمک‌های غیر معمول از سوی دیگران) باعث یک رویداد می‌شوند و بنابراین شخص علت را به عامل یا فاکتورهایی بیرونی ارجاع می‌دهد و این منجر به افت عقیده فرد در سودمندی تلاش (ایمز، 1984؛ کای - هانگ و هی - آن، 2006)، و ایجاد یک سبک تدافعی و بیهودگی در فرد می‌شود (لگت، 1986). روتر عنوان کرد که در منبع کنترل درونی، افراد وقایع مثبت و منفی را به عنوان عملکردی از رفتار خویش ادراک می‌کنند، اما در کنترل بیرونی افراد وقایع مثبت و منفی را خارج از کنترل خود می‌دانند. این امر خیلی برای سیستم آموزش و پرورش اهمیت دارد که افراد، دارای منبع کنترل درونی باشند تا بتوانند روی قابلیت‌ها، تحقیقات و تفکراتشان تأثیر داشته باشند (سیرین و همکاران، 2009). با توجه به نظریه اسناد می‌توان به این نتیجه رسید که باید دانش‌آموزان را از اسناد بیرونی به سمت اسناد درونی که پایدارتر و مؤثرتر است هدایت کرد، اما ما شواهدی داریم که حاکی از این است که افراد موفق هستند که علت اصلی موفقیت خود را در حالی که از اسناد درونی نیز غافل نیستند، ناشی از اسناد بیرونی یعنی اسناد به کمک خدا می‌دانند. سیروس خانی، مخترع مرکز آموزش علمی - کاربردی کیش، مهمترین دلیل موفقیت خود را توکل به خدا می‌داند (پاکدل، 1387). علی پیرهانی مرد دوم چند زبانه جهان نیز عنوان می‌کند توکل به خدا در تمامی مراحل زندگی‌اش وجود دارد و اگر توکل از او گرفته شود دیگر هیچ نیست (امیری، 1386). آرش میرسامعیلی، قهرمان جودوی جهان نیز کمک خداوند را در تمام مراحل زندگی مهمترین عامل موفقیت خود می‌داند (صیادی، 1387). میلاد بخشی‌زاده، دانش‌آموز مجتمع فرهنگی آموزشی علامه طباطبایی که موفق به کسب مدال نقره المپiad جهانی ریاضی شده است، ماندگارترین زمزمه‌اش، خدایا کمکم کن است و عامل اصلی موفقیت خود را توکل به خدا می‌داند (روزنامه ایران)، آرش فارسی رتبه اول کنکور گروه ریاضی سال 1383، نیز عامل موفقیت خود را ابتدا خدا و بعد تلاش خود می‌داند (بیبیان، 1383). علیرضا رضایی، رتبه 131 گروه ریاضی، نیز مانند همه موارد قبلی موفقیت خود را به خدا اسناد می‌دهد (خلوصی، 1387) و بسیاری از موارد دیگر که به تفصیل در اصل مقاله ذکر خواهد شد. حال این شواهد، نظریه اسناد را که اصالت و برتری را به اسناد درونی می‌دهد و اسناد بیرونی را ناکارآمد و ناسازگارانه معرفی می‌کند مورد نقض قرار می‌دهد. اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا انسان صددرصد در سرنوشت خود مؤثر است؟ و اسنادهای افراد مورد اشاره به کمک خداوند، آیا ناسازگارانه هستند؟

در این باب سه پیش فرض مطرح می‌شود:

- 1- در موفقیت‌ها و شکست‌ها فقط من هستم که اصالت دارم، و انسان عامل اصلی موفقیت‌های زندگی، شغلی و تحصیلی خود است.
 - 2- خداوند سرنوشت انسان را رقم می‌زند یا خود انسان (ابطله عرضی است و خدا و انسان می‌توانند جایگزین هم شوند).
 - 3- پیش فرض سوم این است که هم خداوند و هم انسان در سرنوشت فرد تأثیر دارند و ارادهٔ انسان در طول ارادهٔ خداوند است (ابطله طولی است).
- با توجه به دیدگاه دینی ما و با استناد به قرآن و احادیث (و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی، ءانتم تزعمون انه نحن الزارعون، و ما توفیقی الا بالله و مانند اینها)، انسان‌ها در سرنوشت خود مؤثر هستند و در عین حال رفتارشان مشمول اراده و تدبیر الهی

است و علاوه بر آن که خداوند مسیر هدایت و کمال را به آنها معرفی کرده است تکامل یا انحطاطشان از دایره اراده و خواست خداوند خارج نیست و از این حیث نمی‌توان در هیچ شائی استقلالی برای غیر خدا قائل شد - و هر رفتاری حتی رفتار اختیاری انسان - به اراده و تدبیر خداوند مستند است و اراده انسان در طول اراده الهی قرار دارد. بنابر آنچه ره آورد وحی است انسان از تأثیرات جهان غیب آگاه نیست و لذا "خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: من هفت آسمان و زمین را در اختیار شما قرار داده و همه را مسخر شما گردانیدم، در عین حال به شما به جز اندکی علم داده نشده است «وما اوتینم من العلم الا قليلا»". هم‌چنین، در حدیثی از امیرالمؤمنین نقل شده است که "خداوند به حضرت داوود وحی فرمود: تو ارادمای داری . من هم ارادمای، ولی فقط آنچه من می‌خواهم واقع می‌شود پس اگر تسلیم خواست من شوی خواست تو را هم تأمین می‌کنم، اما اگر تسلیم خواست من نشدی تو را در راه خواستات به زحمت می‌افکنم و آنگاه همان می‌شود که من می‌خواهم ". چون هرگز انسان حیطة کامل و سلطه جامع نسبت به تمامی مصالح خود ندارد و به آنچه در دار تنازع و عالم حرکت اتفاق می‌افتد و در شرف تکوین است، سیطرهٔ همه جانبه ندارد و به تعبیر قرآنی و روایی حتی مالکیت به نفع و ضرر خود ندارد لذا شایسته است در عین حال که خود را به همه علوم مسلح می‌کند و از همه تجربیات بهره می‌گیرد، اندیشه را به سمت رب الارباب که جهان با همه عظمتش به سرانگشت تدبیر او اداره می‌شود بسپارد (جوادی آملی، 1372)، "و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا". در حدیثی از حضرت امیر داریم که: هر که بر خدا توکل کند دشواری را بر او آسان شده و اسباب برایش فراهم گردد (مدی، 1371). در حدیث دیگری از امام باقر (ع) داریم که "خداوند می‌فرماید: هیچ بنده ای خواست مرا بر خواست خودش برنگزیند مگر اینکه شغل و زندگی او را روبره آرد و آسمان‌ها و زمین را ضامن روزیش گردانم و در پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم". پذیرش جهانی نقش مذهب و رفتارهای مذهبی در حفظ و افزایش سلامت روان، و در راستای آیات متعدد قرآن کریم در این زمینه می‌باشد. ویلیام جیمز، معتقد است «ایمان به خدا بدون شک مؤثرترین درمان اضطراب است و فقدان ایمان، زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی‌های زندگی اعلام می‌کند» (تجارتی، 1367). شواهد مذهبی مبین آن است که توکل به خدا نه تنها در دادن جرأت، افزایش اعتماد به نفس و میزان ریسک پذیری و پیشرفت تحصیلی افراد مؤثر است، بلکه در کاهش اضطراب و افسردگی و درمان بسیاری از وسوسه های فکری و در نهایت سلامت روان افراد، روش نافذ و کارایی است. چرا که در توکل به خدا، انسان از طریق واگذاری امور به خداوند و اسناد حوادث و اتفاقات به او، کنترل ثانویه به دست می‌آورد؛ که این کنترل در افراد غیر متوکل دیده نمی‌شود. از دیگر فواید توکل داشتن قوت قلب و نیرومندی در تصمیم‌گیری است. چنانکه در حدیثی از حضرت رسول (ص) نقل شده است: "کسی که دوست دارد محبوب ترین مردم باشد از خدا تقوا پیشه کند، و کسی که می‌خواهد قویترین مردم باشد به خدا توکل کند، و کسی می‌خواهد غنی‌ترین باشد بدانچه در پیش خداست مطمئن تر از آن باشد که در نزد خود اوست" علاوه بر موارد ذکر شده نکته دیگری که در مورد توکل قابل ذکر است بعد غیبی و ماورایی آن است، یعنی خداوند شخص متوکل را با امدادهای غیبی "من حیث لا یحتسب" (از جایی که نمی‌داند) مدد می‌رساند، که این امدادها را حوصلهٔ اسباب عادی فراتر می‌رود و در ردیف مافوق علل مادی قرار دارد و آیه شریفه "ومن یتوکل علی الله فهو حسبه"، چنین امدادی را نوید می‌دهد. بدیهی است توکل، فرع بر تلاش، برنامه ریزی و تصمیم گیری است (فاذا عزمتم، فتوکل علی الله).

بحث و نتیجه گیری

بر خلاف ادعای نظریه اسناد مبنی بر عدم کارایی اسناد بیرونی، اسناد به کمک خدا و توکل به او در کارها (به‌عنوان یک اسناد بیرونی) هم مؤثر و واقعی است (بر اساس شواهد تجربی) و هم برای حفظ سلامت روان انسان مفید است (به ویژه در مواقعی که فرد علی رغم تلاش خود با شکست در رسیدن به نتیجه مواجه می‌شود). کسی که دارای روح توکل است اراده اش قوی و عزمش راسخ می‌گردد و هرگز دست از تلاش برنمی‌دارد، هرگز یأس و ناامیدی را به خود راه نمی‌دهد، در برابر مشکلات احساس ضعف و زبونی نمی‌کند، در برابر حوادث سخت و مقاوم است و این اعتقاد چنان قدرت روانی به او می‌دهد که می‌تواند بر مشکلات پیروز شود. بر اساس نظریه اسناد، اسناد بیرونی یک اسناد ناکارآمد است، اما با استناد به شواهد تجربی ذکر شده و آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که اسناد به خداوند که یک اسناد بیرونی است نه تنها ناسازگارانه نیست، بلکه افرادی که امور را به تلاش خود و کمک خداوند نسبت می‌دهند، علاوه بر اینکه افراد موفق هستند از سلامت روان بالایی نیز برخوردارند. هرگاه فرد در موفقیت‌ها و شکست‌های خود، به خدا استناد کند (که یک اسناد بیرونی است)، در صورت موفقیت به تلاش خود امیدوار می‌شود، در حالی که به خود مغرور نمی‌شود، چون خواست خداوند را در موفقیت خود دخیل می‌داند و در صورت شکست نیز دست از تلاش برنمی‌دارد و ناامید نمی‌شود و به دلیل اینکه به خدا توکل داشته است، معتقد است که خبری در آن امر نهفته است و این نتیجه را همسو با تدبیر خداوند دانسته و نتیجه را هر چه باشد پیروزی می‌داند "قل هل ترصون بنا الا احدى الحسنین، بگویند آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید".

منابع

قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
سیف، علی اکبر (1383). *روان شناسی پرورشی، روان شناسی آموزش و یادگیری*. انتشارات آگاه، چاپ دوازدهم.
گنجی، حمزه (1379). *بهداشت روانی*. نشر ارسباران، چاپ سوم.
مجلسی، محمد باقر (1402ه.ق). *بحارالانوار، الجامعة الاخبار، الاثمه اطهار، مؤسسه الوفا، بیروت*.
میلانی‌فر، بهروز (1382). *بهداشت روانی*. نشر قومس، چاپ هفتم.

¹ - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد ghaffari@um.ac.ir

² - دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی

³ - دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی

- ناتلی، محمدعلی (1373). انگیزش در سازمان‌ها، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- Ames, C. (۱۹۸۴), Achievement Attributions and Self-instructions under Competitive and Individualistic Goal Structures, *of Educational Psychology*, ۷۶(۳), ۴۷۸-۴۸۷.
- Cai-Hong, Z. & He-An, C. (۲۰۰۶), Interpersonal Attribution Style of Female Students of Nursing School and Medical School, *Chinese Mental Health Journal*, ۲۰(۷), ۴۴۷-۴۵۰.
- Calbraith, D. Ford, S., Walker, G. & Ford, J. (۲۰۰۵), the Contribution of Different Components of Working Memory to Knowledge Transformation during Writing. *Educational Studies in Language and Literature*, ۵(۲), ۱۱۳-۱۴۵.
- Leggett, E. L. (۱۹۸۶) Individual Differences in Effort/Ability Inference Rules and Goals: Implications for Causal Judgments. *Dissertation Abstracts International*, ۴۷(۶-B), ۲۶-۶۲.
- Parrish, S. (۲۰۰۳). *Mastery Oriented vs. Learned Helplessness in Children*, Retrieved in:
- Scanlan, T. K. & Passer, M. W. (۱۹۸۰), Self-serving Biases in the Competitive Sport Setting: An Attributional Dilemma. *of Sport Psychology*, ۲(۲), ۱۲۴-۱۳۶.
- Serin, O. Serin, N.B. Sahin, F.S. (۲۰۰۴), Factors Affecting the Learning and Studying Strategies, and Locus of Control of the Trainee Teachers. *Social and Behavioral Sciences*, ۴(۱), ۱۱۲۷-۱۱۳۶.
- Weiner, B. (۱۹۷۲), Attribution Theory, Achievement Motivation, and the Educational Process, *Review of Educational Research*, ۴۲(۲), ۲۰۳-۲۱۵.
- Weiner, B. (۲۰۰۶). *Social Motivation, Justice, and the Moral Emotions: An Attributional Approach*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.